

## یادداشت های پراکنده از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

قسمت بیست و هشتم

از گل فروش بهر تو گل خواستم نداشت  
صد باغ سرکشیدم و صد دشت سر زدم  
از خالقم برای تو چون خواستم گلی  
وز باغبان که گفت، گل کیمیا که کاشت؟  
اما نبود آن چه، دلم انتظار داشت  
دستم گرفت و نام تو در دست من گذاشت



### تحقیق در ساحه و عوارض جانبی غیر قابل پیش بینی

#### نتیجه:

تحلیلی دینامیک از «جنگ کلی علیه وحشت» از سال ۲۰۰۲ میلادی به هدف دانستن میکانیسم و محرک خشونت مسلحانه از لا به لای اتصال دینامیک های محلات و فراملتی در درگیری های مسلحانه، می باشد.

دلایل تعیین کننده این خشونت از جامعه شناسی دولت و قدرت های محلی شناخته شده است. در مشکلات غیر پیش بینی شده که در اثر خشونت های فردی یا دسته جمعی ایجاد گردید، رول بسیار مهم را در گسترش شورشیان علیه دولت بازی نموده است.

عوامل تعیین کننده این خشونت ها را دانستن سوسیولوژی دولت و قدرت های محلی برای ما آشکار خواهد ساخت، و این مستلزم تحلیل و انالیز پدیده های که از مدت های طولانی، از وقت پیاپی و ساختار دولت از قرن هژدهم میلادی و هجچنین در دینامیک های خاص و پی در پی صحنه های جنگ از سال ۱۹۷۹ به این طرف مطالعه نمود.

### سه عنصر کلیدی خشونت مسلحانه که شناخته شده اند:

شبکه های محلی و فراملتی، فکتور های جیوستراتیژیکی درگیری های مسلحانه، و بیان نمودن و نشان دادن ترکیب دوباره سیاسی و اجتماعی از این درگیری ها.

این پدیده های ترکیب دوباره نشان دهنده یک عامل تعیین کننده مرکزی آینده دولت که توسط ناکامی و ورشکستگی آن به صفت تشکیلات سیاسی و اجتماعی و ترکیب دوباره مثل آموزش سیاسی - نظامی مشخص گردیده است.

و این ورشکستگی و ناکامی دولت که سبب وه وجود آمدن پیچیدگی و درهمی و برهمی، به شبکه های فراملتی راه عبور و بروز را داده است.

تحلیل تحول تاریخی، تشکیل و ساختار سیاسی و اجتماعی اجازه متوجه شدن به دو عنصر کلیدی گرامر سیاسی افغانستان را می دهد، که عبارت است از برد و باخت قبیلوی و دسته جمعی از یک طرف و تحرک مسلحانه مردم زیر بیرق جهاد از طرف دیگر می باشد. قبیله ها در حقیقت بازیگران مرکزی در خلقت جامعه و دولت افغانستان در قرن هژدهم میلادی می باشند.

پروسه تشکیل دولتی سریعاً عبور به طرف اعتراض خشن جهادی در هنگام دو جنگ افغان و انگلیس نموده، که نتیجه این اعتراضات، استحکام مذهبی را در صحنه سیاسی به همراه داشت.

بعد از داخل شدن به جنگ علیه شوروی ها در سال ۱۹۷۹ میلادی، از مسائل غیر قابل پیش بینی دسته جمعی (قبیلوی و نژادی) و همچنین تحرک نظامی جهادی اهالی، عرضه کننده یک سوالی بسیار وسیع می باشد که همانا معین کردن یک قسمت بزرگ دینامیک محلی خشونت، که عبارت از بی ریشه شدن دهات و داخل شدن به یک نو سازی سیاسی که از شروع قرن بیستم میلادی به راه انداخته شده بود.

این مرحله تاریخی نیز با سقوط دولت، و با یک پروسه دوباره ساختن دولت روی کار گرفته شد، که تطبیق آن بعد از به راه انداختن «جنگ گلی علیه وحشت» در سال ۲۰۰۲ میلادی در حالیکه یک رویداد یا بخش نو خشونت مسلحانه روی کار آمد که ائتلاف بین المللی و بازیگران فراملتی را به بازی گرفت.

تحلیل خشونت مسلحانه نشان دهنده این است که چطور بعد از سال ۲۰۰۲ میلادی در سه منطقه مشخص، سه چرخاننده اساسی جنگ حفظ گردیده است.

### این سه چرخاننده به قرار ذیل می باشد:

- شبکه های محلی، مبدأ برد و باخت هویتی خشونت مسلحانه؛
  - منطق بی ریشه شدن اجتماعی که با بروز قدرت های محلی جهت دوباره سازی دولت به وخامت گرایید؛
  - و بالاخره برد و باخت ستراتیژیکی منطقی و بین المللی که موجب انشعاب شبکه های محلی و فراملتی و تقویه درگیری مسلحانه با تأثیر گذاری به ارتباط قوت های بین المللی در سطح محل می گردد؛
- شروع شدن جنگ، فردای کودتای حزب کمونیست خلق افغانستان در ماه اپریل ۱۹۷۸ میلادی در افغانستان بود، که تا امروز دوام دارد.

ادامه دارد